

« هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ »

بازخوانی موضوعات کتاب « بنیان های حیات پایدار در معماری محله »

رساله دکترای سرکار خانم صدیقه معین مهر در دانشگاه هنر اصفهان، تحت عنوان: «تبیین اصول معنایی حیات پایدار در محله در جهت بسترسازی کمال انسان بر مبنای اسم حَی» ، جایزه برترین رساله بین رشته ای در حوزه معماری با علوم قرآنی را از آن خود کرد. این رساله با عنوان کتاب: «بنیان های حیات پایدار در معماری محله» منتشر شد که توانست جایزه برترین کتاب سال معماری را از جشنواره کتاب سال دانشجویی دریافت کند. نویسنده کتاب معتقد است: «سخن گفتن از سرزندگی محله سخن گفتن از ارتقاء و احیاء کیفیت زندگی ساکنان آن است و لاجرم به کلیه ابعاد حیات اجتماعی، معنایی، زیست محیطی و اقتصادی و یک سیستم محله ای مرتبط می باشد. پایداری محله های شهری زمانی محقق می شود که اجزاء این محله ها متناسب با یکدیگر و در پاسخ به نیازهای ساکنین بوده و به رابطه منطقی و مطلوب انسان و محیط بیانجامد. هدف از طراحی یک محله شایسته و سرزنده؛ ارتقاء کیفیت اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی است که در بستر توجه به نیازهای مادی و معنوی ساکنین تحقق می یابد. محله سرزنده برگرفته از آموزه های اسلامی، سکونتگاهی متوازن است که یک فضای زیستی سالم و سرزنده، دلپذیر و توأم با آسایش برای ساکنان خود فراهم کند و تا حد امکان نیازهای زیستی و اجتماعی ساکنین را بر آورده نماید، آنچنان که در نتیجه این توازن، ساکنان به ادامه سکونت در آن تمایل و در صورت ترک آن خاطره و تعلق داشته باشند.» پاسخ های خانم دکتر معین مهر به پرسش هایی درباره بخش هایی از موضوعات مطرح شده در کتابش را با هم می خوانیم:

*** واژه شهر به چه معناست؟ آیا این واژه در طول تاریخ دچار تغییر معنایی شده است؟ در منابع دینی به خصوص**

قرآن چه معادل هایی برای شهر داریم؟ هر کدام از آنها چه بار معنایی دارند؟

شهر عالی ترین مکان تجمع زیستی انسان از آغاز تاکنون بوده است. روی آوردن انسان به زندگی شهری نیز از مهم ترین مقاطع تاریخ بشریت است؛ این مرحله را آغاز تمدن دانسته اند. هر شهر، محوری است از محل تجمع ارزش هایی که تمدنی را می سازند و در نتیجه، تصویر جهان را به وجود می آورند. شهر به عنوان تجلی گاه ارزش های فرهنگی و شکل گرفته بر پایه آرمان ها و اصول جهان بینی اهل خویش، معانی و ارزش هایی را به انسان القا می نماید؛ همین ارتباط محیط و انسان را نیز می توان به عنوان جنبه ای از حیات تلقی نمود. در واقع، انسان با قرار گرفتن در فضای شهر و تماس با آن، علاوه بر ظواهر ملموس و مشهود مادی، معنایی را ادراک می کند که این ادراک، بسته به زمینه فرهنگی و حیات انسان، شامل درجات متفاوتی است. از دیگر سو، شهر یکی از پدیده های مهم انسان ساخته است که تعریف آن دچار این اشکالات گردیده است. شهر که روزگاری نماد زمینی آسمان بود، اینک به پدیده ای کمی که با اعداد و ارقام سنجیده و تعریف می شود، تبدیل شده است. شهرهای اولیه (به ویژه در شرق)، به مثابه مراکز مقدسی بودند که عوامل دینی و اساطیری، شکل دهنده آن ها و معانی مرتبط با این عوامل در آن ها نهفته بود. این شهرها به مرور زمان، به عنوان نماد شکوه، بزرگی و افتخار پادشاهان و فرمانروایان درآمدند؛ که البته این نیز ریشه در باورهای دینی و وجه مذهبی شاهان داشت. با گذشت ایام و تمرکز جمعیت، شهرها به پایتخت شاهان و فرمانروایان یا مراکز تجارت و خرید و فروش تبدیل شده و با محصور و محدود شدن در قلاع خویش، با نمایی از اهداف مذهبی، سیاسی، تجاری و امنیتی جلوه گر شدند.

دیانت اسلام با توجه به امکان رشد و تعالی بهتر استعداد های انسان در محیط شهری، از منادیان و مشوقان جدی شهر نشینی بوده و تاریخ اسلام نیز با محوریت یافتن مدینه است که وارد مرحله تأسیسی خود می شود. شهر یا مدینه به واسطه برخورداری از امکان تجمع سه حوزه مختلف حیات اجتماعی انسان یعنی اقتصاد، فرهنگ و سیاست در یک مکان، به پیشبرد اهداف تکاملی نوع بشر بهتر یاری می رساند. با شهر است که انسان قدرت خلیفه اللهی خود را محقق می سازد. شهر نماد گریز نسبی انسان از سیطره طبیعت و بارزترین تجلی قوه خالقیت اوست.

در جای جای قرآن مجید به صفات شهر مناسب زیست اشاره می شود که اکثراً بار معنوی دارند؛ از جمله امنیت، طیب بودن، مقدس بودن، وفور رزق، نزدیکی و برکت (سوره تین: ۳، سوره سبأ، آیات ۱۵ و ۱۸، سوره اعراف، آیه ۵۸، سوره بقره، آیه ۱۲۶، سوره ابراهیم، آیه ۳۵).

در سوره مبارکه نحل به شهر مطلوبی اشاره شده که از مشخصات آن، زندگی توأم با «رزق فراوان»، «صلح» و «امنیت» بوده و کفران این نعمت ها، ساکنان شهر را به ترس و گرسنگی مبتلا کرده است. واژه هایی که شهر مطلوب در آیات قرآنی با آن ها توصیف شده، به طور عمده، مشتقاتی هستند از ریشه حَیٌّ، اَمِنَ، سَلِمَ و طَیَّبَ، به معنای زندگی، امنیت، سلامتی و پاکی در عرصه های مادی و معنوی. «حَیٌّ» به معنای زندگی و حیات در برابر مرگ و نابودی، دارای روح، رشد و شکوفایی و باروری است. «اَمِنَ» به معنای امنیت، صلح و آسودگی خاطر، «سَلِمَ» به مفهوم عاری از هر عیب و نقص - سلام از همین ریشه است - و «طَیَّبَ» به معنای پاکی جسم و روح، پاکی ظاهری و باطنی است. شهر ایمن، شهری است که انسان در آن آرامش دارد و هر عاملی که آرامش انسان را تهدید کند، امنیت شهر را در معرض خطر قرار داده است.

منظور از «جامعه اسلامی»، همان «جامعه قرآنی» است؛ جامعه ای که نظام روابط اجتماعی آن، مبتنی بر ضوابط قرآنی بوده و هدف شهر و ساکنانش جهت قرآنی دارد؛ چنین جامعه ای، یک شهر اسلامی است.

شهر اسلامی، شهری است که بر پایه اصول دین (توحید، نبوت و معاد) استوار است؛ شهری که اصول مبانی کاربردی و کالبدی آن، در جهت وحدت معنایی و مجموع قوانین و ارزش های اخلاقی آن، منبعث از کلام الهی و معصومین (ع) است. با تحقق چنین شهری است که سیر تکاملی انسان به سمت حیات طیبه و عالم عند الله ممکن گشته و انسان به بالاترین مرتبه وجودی خویش نائل خواهد شد؛ مرتبه ای که انسان را شایسته مقام خلیفه الهی بر روی زمین می سازد.

با بررسی و دقت در متون اسلامی، امکان تبیین ویژگی ها، اصول و ارزش های شهر اسلامی میسر خواهد بود. ارزش های نهفته در قرآن، کتاب هدایت انسان ها، فرا زمانی و فرا مکانی بوده و می تواند زمینه های رسیدن به شهر اسوه را فراهم آورد؛ شهری موعود که احکام الهی و قرآن، محور تمامی اندیشه ها، راهبردها و برنامه ریزی ها است. رهاورد زندگی در چنین شهری، سیر الی الله است که با پیمودن این مسیر و پاس داری از پیمان فطری و میثاق ملکوتی، حیات طیبه در عالم «عند الله» و تحت ولایت حق تعالی تحقق می یابد.

*** محله چیست؟ در کتاب شما چه نوع نگاهی به محله شده است؟ اصولاً پرداختن به محله چه اهمیتی دارد؟ چرا برای نگاه به شهر اسلامی روی محله کار کردید؟**

محله نوعی جامعه انسانی، در مقیاس میانی، است که واحد خانواده را به واحدهای بزرگتر شهری و ملی پیوند می دهد. اساس پیدایش محله از نیازهای افراد انسانی به همکاری برای بقاء، تامین امنیت، جلب حمایت و دوستی، احساس همبستگی و همدلی، اشتراک فرهنگی و غیره سرچشمه می گیرد که با روابط چهره به چهره، مستقیم، پایدار و صمیمی همراه است. ویژگی مهم محله وابستگی آن به جمعیت معین و مکان مشخص است و از این نظر می توان محله را یک واحد اجتماعی - مکانی تعریف کرد که به زندگی جمعی یک گروه در مکان معین سازمان، هویت و معنا می بخشد. ویژگی مهم دیگر محله این است که در یک فرایند طبیعی و طولانی شکل می گیرد و نمی توان آن را به طور دستوری یا فوری ایجاد کرد. بخشی از قدرت و جاذبه محلی به سرنوشت و سرگذشت تاریخی و مشترک اعضای آن وابسته است و به همین دلیل هم از توان پایداری و ماندگاری زیادی برخوردار است.

پژوهش های فراوان در جهان و ایران نشان می دهد که معیارهای جمعیت و مساحت نقش تعیین کننده ای در شکل گیری محله ندارد، بلکه معیار اصلی در تشکیل و تعریف یک «محله» همان ساختار و هویت یکپارچه ای است که براساس روابط همسایگی، فضایی و فرهنگی مشترک، میان اعضای محله، پدید می آید. به همین دلیل اندازه محله، از نظر وسعت و جمعیت، از انعطاف و کشش بالایی برخوردار است و می تواند از چند صد نفر تا چند ده هزار نفر را در برگیرد. یعنی نه آنقدر کم و کوچک که نتواند به یک نهاد اجتماعی - فضایی توانمند، پرجاذبه و باهویت برای اعضای خود تبدیل شود، و نه آنقدر بزرگ که امکان روابط نزدیک، چهره به چهره و صمیمانه اعضا را از دست بدهد. بی تردید «روابط همسایگی» نقش موثری در شکل

گیری محله دارد ولی همانطور که اشاره شد ساختار و کارکرد محله بسیار گسترده تر و پیچیده تر از روابط همسایگی است و نمی توان مفهوم محله را به حوزه های همسایگی محدود کرد. در نوشته ها و مطالعاتی که محله را مورد بررسی قرار می دهد می توان پنج نگاه اصلی را در تعریف معنای محتوایی محله بیان کرد.

۱- محله به عنوان یک واحد اجتماعی

این نگاه به مفهوم محله از همان انگاره ها و الگوهای اولیه وجود داشته است. در این نگرش محله به علت آنکه قلمرو اجتماعی برای ساکنین فراهم کرده و مردم را در کنار جمع می کند و از طرف دیگر امکانات و خدماتی را فراهم می کند که مردم ساکن به صورت مشترک از آن استفاده می کنند، در افزایش تعاملات اجتماعی موثر است. بعضی از اندیشمندان گفته اند حس قوی از یک اجتماع در محله وجود دارد و از نظر روانشناسی افراد ساکن در یک محله مشخص حس اجتماع محلی را دارند.

۲- محله به عنوان واحدی کالبدی - فضایی

محله تشکیل شده از عناصر کالبدی مختلف از جمله واحدهای مسکونی، خدماتی و شبکه ارتباطی است که مجموعه ای از فعالیت ها در فضاهای آن اتفاق می افتد. در این نگاه محله به عنوان فضایی که روابطی در شکل می گیرد تعریف می گردد. وجود سازمان ها، انجمن ها و الگوهای کاربری زمین، زمینه ای را برای ارتباطات بین افراد به وجود می آورد. همچنین عضویت در یک گروه قومی یا ارتباط با سازمان های عمومی، باعث ارتباط بین افراد می گردد. در این نگاه محله می تواند به صورت های مختلفی تعریف گردد.

۳- محله بر اساس ارتباط آن با یک یا چند سازمان

در این نگاه محله بر اساس ارتباط آن با یک یا چند سازمان یا نهاد و ارگان محلی تعریف می شود. مانند محله هایی که به وسیله حوزه های انتخاباتی، حوزه های پلیس، نواحی تحت پوشش خدمات اجتماعی و فرهنگی و یا مدیریت محلی مرزهای آنها تعیین و تعریف می شود. در این نگاه محله به عنوان واحدی تعریف می گردد که ساکنین در استفاده از نهادهای آن با هم سهیم باشند. مرزهای هر کدام از سازمان ها و نهادهای رسمی، زمینه های عملیاتی شان را تعریف می کنند که متمایل نیستند، دقیقاً بر روی هم منطبق شوند.

۴- محله به عنوان ساختار کالبدی - فضایی و ساختار اجتماعی در گذشته

در گذشته محلات شهر سکونتگاه گروه های قومی و نژادی و مذهبی و صاحبان پیشه ها بود. در شهرهای بزرگ گاهی هر محله برای خود شهری مستقل بود، و یا نیمه مستقل با بازارها، مساجد، گرمابه ها و سازمان اداری مشخص که وابسته به حکومت شهر بود. محله واحد اصلی روابط اجتماعی بود. از نظر کالبدی - فضایی مجموعه شهر، محلات و مرکز شهر ترکیبی متجانس ایجاد می کرده اند. و محلات در ساختار کالبدی - فضایی شهرهای گذشته ایران از عناصر اصلی محسوب می شدند، چرا که این ساختار بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه یعنی مرکز شهر و مراکز محلات از طریق یک رشته فضاها و عناصر ارتباط دهنده، گذرها و میدان ها استوار بوده است. از لحاظ اجتماعی مرزبندی محلات مسکونی بر پایه پیوندها و همبستگی های طایفه ای و قبیله ای، کار و حرفه، مذهب شکل می گرفت. هم محله ای بودن نوعی ارزش محسوب می شد و گونه ای تعهد برای هر یک از افراد محله برای حمایت از سایر افراد محله خود برای دیگران.

۵- محله به عنوان یک واحد همسایگی در شهرهای معاصر

در این تعریف جهت تهیه الگوی واحد در ایران، سعی در مشخص کردن مساحت، جمعیت و اندازه و کاربری های مورد نیاز و یا ویژگی عناصر و اجزای محله است. در تعریف دقیق، محله مجموعه ای از چند واحد همسایگی و از نظر اندازه و مساحت وسیع تر از واحد همسایگی است. ولی در نهایت ویژگی های محله از جمله: کاربری های خدماتی، معیار اندازه و مساحت همان ویژگی هایی است که در شهرسازی غرب توسط آنها واحد همسایگی تعریف می شود.

*لزوم تاکید بر احیای مفهوم محله با توجه به متون دینی چیست؟

با توجه به اهمیت محله در فرهنگ اسلامی می توان گفت: توجه به قلمرو و حریمیت در ساختار فضایی شهرهای مسلمانان تاثیر زیادی داشته است، تا آنجا که از آن به عنوان یکی از اصول حاکم بر طراحی شهرها نام برده شده است. توجه به این اصل

در طراحی شهرهای مسلمانان، ایجاد قلمروهای فضایی در مقیاس های مختلف می باشد که از خانه به عنوان کوچکترین واحد شروع شده و به محلات و شهر می رسد. بنابراین محله در شهرسازی اسلامی در ایجاد قلمرو فضایی برای گروه های اجتماعی دارای نقش و جایگاه خاص است.

همچنین درباره علل لزوم تاکید بر احیای مفهوم محله به این مطالب می توان اشاره کرد: لزوم ایجاد محلات یا حفاظت از وجود یا احیای مفهوم محله را از جهات گوناگونی می توان مورد توجه قرار داد و یا به عبارتی احیای مفهوم محله در شهرهای معاصر به دلایل متنوعی واجد اهمیت است. یکی از مهمترین این دلایل وضعیت انسان در شهرهای بزرگ معاصر است. موضوعاتی که به عنوان ویژگی های بارز شهرهای بزرگ به آنها اشاره می شود عبارت از غربت انسان، تضعیف احساس توطن، تقلیل تعاملات (و به خصوص تعامل رو در روی) اجتماعی، انزواطلبی، تضعیف احساس تعلق به مکان و امثالهم هستند، که احیای مفهوم محله می تواند در تعدیل آنها موثر باشد. احیای محلات می تواند با بهره گیری از احساس مسئولیت و مشارکت مردم در اداره محیط زندگی شان، محیط را به صورت وطن و قابل تحمل برای اهل خویش در آورد. محله به عنوان عنصر واسط در سلسله مراتب فضاهای زیستی (از خانه تا شهر) می تواند ارتباط انسان با هموعانش را (به ویژه در شهرهای بزرگ) فراهم آورده و احساس تعلق به مکان و توطن را در اهل خود تقویت کند.

اندیشه اسلامی در باب شهر و محله مطلوب دارای ویژگی های منحصر به فردی است که حصول به آنها می تواند سبب رسیدن به حیات طیبه در فضاهای زیستی بشر و موفقیت توأمان مادی و معنوی شهروندان گردد. با بررسی و دقت در متون اسلامی، امکان تبیین ویژگی ها، اصول و ارزش های شهر اسلامی میسر خواهد بود. اهمیت محله در فرهنگ اسلامی و علل لزوم تاکید بر احیای مفهوم محله اهمیت دارد. چرا که کمبود پژوهش و عدم شناخت معماران و شهرسازان از ویژگی ها و خصوصیات مورد لزوم محله اسلامی، بر مبنای انسان تعریف شده در اندیشه اسلامی، از مسائل مهم مورد نظر در طراحی محله اسلامی و محیط مطلوب زندگی می باشد.

در دنیای امروز که با انواع چالش های شهری در خصوص مسائل اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و غیره روبرو هستیم، بدون شک رجوع به اصول نظری و عملی شهر اسلامی به عنوان یک پارادایم کامل و یکپارچه، راهگشای مشکلات کنونی خواهد بود.

*** عبارت "شهر اسلامی" را اولین بار چه کسانی استفاده کردند و چرا؟ در نگاه آنها وجه ممیزه شهر اسلامی در چه بود؟**

دین اسلام، فراتر از یک آیین رسمی است. اسلام یک شیوه کامل برای زندگی در همه اعصار می باشد، به طوری که روشهای حصول عالی ترین درجات کمال را در همه شئون و جوانب زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره ارائه نموده است. شهر نیز به عنوان کانون زیست و فعالیت انسان ها، مورد توجه اسلام بوده است؛ به گونه ای که می توان شهر اسلامی را مکان تبلور جمیع آموزه های اسلامی دانست که در این صورت آرمان شهری که در طول دوران مختلف، انسانها جستجو می کرده اند، تحقق خواهد یافت. در واقع، صبغه الهی و معنوی، متمایزترین ویژگی شهر اسلامی محسوب می گردد که زیبایی و کمال همه جانبه از مراتب آن است.

شهر آرمانی اسلام که اندیشمندان بزرگ چون فارابی، اخوان الصفا، سهروردی، ابن رشد، خواجه نصیرالدین طوسی، نظامی گنجوی و ابن خلدون، از آن سخن گفته اند، می تواند در کنار حقیقت اعتقادی و ایمان واقعی به اسلام، معیاری برای ارزیابی دعاوی کسانی باشد که سخن از شهر اسلامی می گویند. آرمان شهر اسلامی در پی ترسیم رابطه انسان با خدا، اجتماع، محیط و خود می باشد و روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه قرار می دهد و هم به ساختار شهر توجه دارد و اهمیت حیات معنوی هماهنگ با خلقت را به تصویر می کشد و به ورای ظاهر شهر، شکل و چهره آن می رود تا به روح و معنا و جوهر آن دست یابد. طراحان و معماران در آرمان شهر مبتنی بر تفکر دینی و توحیدی، در پی طراحی بنیانی هستند که با تکیه بر توحید و ایمان به خدای یگانه، تجلی نور الهی و یگانگی و هماهنگی و تعادل را از نظام مخلوق به نظام مصنوع آورده و تکرر و جهان ناسوت را به وحدت جهان معنوی و فضای ملکوتی تبدیل کنند.

آرمانشهر، نه تنها به ارائه خدمات آموزشی، بهداشت و مسکن، نفی تبعیض و سالم سازی محیط و رشد فضای سبز می پردازد بلکه به سعادت دنیوی همراه با سعادت اخروی شهروندان نیز می اندیشد تا شهر خدا و آسمانی، براساس تعالیم نبوی و علوی شکل گیرد. شهر اسلامی مبتنی بر تصویری روحانی است که هدف آن تزکیه انسان و نزدیک تر کردن ساکنان آن به خداست و با فضا، کالبد، بافت، اشکال، نقوش و رنگ خود پیوندی ناگسستی با امر قدسی دارد.

در شهر اسلامی، فرم به تبع معنا تعریف می شود و کالبد، هویت خود را از محتوا اخذ می کند و این متأثر از بنیان های نظری معماری و شهرسازی اسلامی است که نسبت قالب و محتوا همچون نسبت روح و کالبد در بنیان های جهان شناختی اسلامی است. در واقع، هیچ یک از امور و مسائل زندگی، از نظر اسلام به دور نمانده است، ضمن این که قوانین اسلام منحصر به زمان یا گروه خاصی از افراد نمی شود؛ لذا، مبانی و اصول ارائه شده از طرف اسلام به دلیل کامل و جامع بودن از نظر کلیه جوانب زیست شهری، کارایی لازم را در مواجهه با چالش های شهری امروز دارد.

***ایده نگارش کتاب " بنیان های حیات پایدار در معماری محله " به کی و کجا بر می گردد و چه مراحل از ایده تا نگارش طی شد؟**

ایده نگارش کتاب در پاسخ به سوالات زیر در ذهن نویسنده شکل گرفته است:

۱- چگونه می توان از منابع دین اسلام (قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام)) در رسیدن به اصول طراحی محله مطلوب و پویا و سرزنده و دارای حیات استفاده کرد؟

۲- چگونه می توان ارتباط بین تجلی اسماء الهی و تحقق صفات انسان کامل را در بستر مکان برای اصول طراحی محله به کار برد؟

تعالیم اسلامی برای ادامه حیات انسان ها در زمان ها و مکان های گوناگون اصول ثابتی را بیان می کند که این اصول عمدتاً در نیازهای انسان، در نحوه زندگی او، در اصول شکل دهنده روابط او با جهان خارج، در اهداف زندگی او (رسیدن به حیات طیبه) و در نقش انسان در زمین (به عنوان خلیفه الله) و هدف خلقت او می توان پی جویی کرد (این اصول هم نظری است (حکمت نظری اسلام) و هم عملی است (حکمت عملی اسلام)). آنچه که نسبت به زمان و مکان و امکانات بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی متغیر است، روش های پاسخگویی به این اصول و ارزش های مستتر در آن است. لذا می توان گفت که برای ایجاد محله اسلامی باید ویژگی های فضای مناسب زیست و زندگی مسلمانان برگرفته از تعالیم اسلامی، تعیین و تعریف شوند. محله می تواند محل تجلی صفات انسان کامل که مقام خلیفه الهی است را منعکس سازد. یعنی محله تجلی صفات جمال و جلال الهی گردد و در این صورت محله می تواند به جایگاهی والا دست یابد. در نگرش اسلامی این متعالی ترین جایگاهی است که معماری ممکن است به آن تقرب جوید و زیبایی در تمامی مراتب آن جلوه گر شود.

بین مراتب کمال انسان به عنوان خالق محله و مراتب کمال محله به عنوان بستر فیزیکی حیات مطلوب و فعل انسانی، همبستگی معنا داری وجود دارد و تقرب محله به مقام تجلی اسماء الهی از این دو بُعد دارای اهمیت و منشاء اثر است.

موضوع تجلی اسماء و صفات الهی، از شکل گیری و پرورش ایده تا خلق آثار محسوس و ادراک آن، موضوعی مهم و دارای بنیان های حکمی و فلسفی است، که با سؤالات مربوط به اسماء و صفات الهی و قرار دادن الگوی انسان کامل در جهت دستیابی به حیات طیبه در ارتباط است. همین مقوله سبب پیوند حوزه معماری با بسیاری از حوزه های علوم انسانی شده است. بنابراین در این فرایند شناخت ویژگی های انسان به عنوان خالق اثر و ادراک کننده آن، و توجه به اسماء الهی و حیات انسان به عنوان زمینه و بستر پیدایش اثر و نحوه تعامل این دو در یک بستر علمی، با مبنا قرار دادن اندیشه اسلامی به عنوان چارچوب نظری مشخص از اهمیت بالایی برخوردار است.

هدف اصلی این کتاب، ارائه اصول معنایی و فرآیند تحقق پذیری حیات پایدار در محله به منظور تحقق اسماء الهی و صفات انسان کامل در جهت بهره گیری در طراحی محله است.

در این راستا، در کتاب با معیار قرار دادن تحقق انسان کامل که تجلی اسماء و صفات حق تعالی می باشد از بُعد جدیدی به موضوع محله و الگوی معنایی طراحی آن پرداخته شده است. انسان کامل که تجلی اسماء الهی است از این منظر در پژوهش های دیگر مورد تحقیق قرار نگرفته و اندیشه اسلامی که برای طراحی محیط زندگی مبانی را بیان می کند و ضابطه هایی دارد

کار نشده است. در این کتاب این دو موضوع با هم مورد پژوهش قرار گرفته و بر اساس رابطه این دو اصول معنایی در جهت تحقق حیات پایدار برای طراحی محله اسلامی از آنها استنتاج شده است.

در این راستا، مبانی نظری نگاه اسمائی به حیات مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله اول از بُعد معنا می توان گفت: برای آغاز طراحی از حوزه معنا، لازم است حوزه های از جنس معنا مورد توجه قرار گیرد که در این کتاب با بهره گیری از اسماء و صفات الهی است. با این روش طراحی می توان فرایند طراحی را ارتقاء بخشید و به آثار معماری اصیل تر، متعالی تر و ارزشمندتر دست یافت. در مرحله بعد، به بررسی اسماء و صفات الهی پرداخته شده و اسم حئی انتخاب گردیده است و بازتاب اسماء و صفات الهی (به ویژه اسم جامع حئی) و ویژگی های انسان کامل در مواجهه با محله مورد تفحص قرار گرفته است. هدف از به کارگیری تجلی اسم حئی در شکل گیری یک الگوی معنایی در طراحی محله، شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش سرزندگی محله بوده تا پتانسیل جذب و حضور افراد و گروه های مختلف را در این فضاها ارتقاء بخشد.

دسته بندی اطلاعات جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل آنها در مراحل زیر صورت گرفته است:

- ۱- معنا شناسی اسماء الهی و گزینش أمّ الأسماء (اسم حئی) و بررسی آن
- ۲- جستجوی قرآنی و استخراج آیات مرتبط با اسم حئی (با روش اکتشافی- تفسیری و با استدلال منطقی، آیاتی که شامل معانی مورد نظر از اسم حئی بوده اند، انتخاب شدند).
- ۳- بررسی ابعاد پایداری (بُعد زیست محیطی، بُعد اجتماعی و بُعد اقتصادی).
- ۴- تکامل ابعاد پایداری با افزودن بُعد معنایی برگرفته از اندیشه اسلامی
- ۵- نحوه تاثیر اسم حئی در ابعاد پایداری

*** در این کتاب کاربرد اسماء الهی در زندگی و طراحی معماری محله مطلوب را بررسی کرده اید، نقش اسماء الهی در این بررسی چیست؟ و آغاز طراحی معماری از معنا به چه معناست؟**

در اندیشه اسلامی فرایند آفرینش از معنا آغاز می گردد. برای آغاز طراحی از حوزه معنا، لازم است حوزه های از جنس معنا مورد توجه قرار گیرد که در این کتاب با بهره گیری از اسماء و صفات الهی است. با این روش طراحی می توان فرایند طراحی را ارتقاء بخشید و به آثار معماری اصیل تر، متعالی تر و ارزشمندتر دست یافت. با استفاده از حوزه معنا (در این کتاب اسماء و صفات الهی) در طراحی معماری می توان به نهفتگی در فرایند دست یافت.

در باب ضرورت جاری شدن اسماء در زندگی انسان و تطهیر او از جهالت و ظلم، بیان می شود که اگر در زندگی فردی و اجتماعی انسان اسماء حُسنای الهی جریان پیدا نکند در انواع ظلمات غوطه ور شده و در این صورت با سیطره هوای نفس، فرد و جامعه امکان بهره مندی از تفکر و تعقل و برخورداری از ایمان و تسلیم را از دست خواهد داد. تمام پدیده های عالم علاوه بر صورت ظاهر، حقیقتی دارند و حقیقت آنان به اسماء الهی رجوع دارد. در حکمت اسلامی صورت و معنا بر مراتب تجلی اسماء الهی است. در این کتاب مبانی نظری نگاه اسمائی به حیات مورد بررسی قرار گرفته است.

بهره گیری از اسماء الهی در این کتاب در ۳ مرحله بیان شده است:

۱- مرحله اول: شکل گیری ایده

در این مرحله ایده اولیه معماری شکل می گیرد. این ایده مانند بذری است که قابلیت های زیادی در آن وجود دارد و انسان معمار متناسب با توانایی ها و مهارت های خود می تواند آنها را شکوفا نماید. در این مرحله شناخت مبدا حقیقی معنا و ادراک و احصاء آن است که این مبدا، "اسماء و صفات الهی" است و در قرآن کریم به نقش مهم آن در فرایند خلق و آفرینش هستی بسیار تاکید شده است. لذا انسان در کلیه امور به خصوص آفرینش آثار هنری و معماری، باید در کسب معرفت نسبت به معانی و مفاهیم متعالی اسماء و صفات الهی عزم جدی داشته باشد و با کسب علم و معرفت، مرتبه وجودی خود را چنان ارتقاء دهد که بتواند مفاهیم متعالی اسماء و صفات الهی به خصوص "اسماء الحُسنی" را ادراک و احصاء نماید. تا افعال خویش را به صفات فعل الهی متصف گرداند و فعل او رنگ الهی به خود بگیرد.

۲- مرحله دوم: شکل گیری طرح معماری

در این مرحله انسان معمار می بایست به بسط ایده اولیه خود برای رسیدن به طرح معماری (صورت مجازی اثر) اقدام نماید و در این راستا باید تعاریف مشخصی از انسان و نیازها و بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی خود و مخاطب داشته باشد.

۳- مرحله سوم: ایجاد اثر محسوس معماری

بعد از تکمیل طرح معماری در قالب صورت مجازی اثر، نوبت به ایجاد آثار معماری در عالم طبیعت می گردد. در تمامی مراحل اجرای اثر معماری نیز مجموع شرایط زمانی و مکانی بستر شکل گیری و توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اسلام می بایست مورد توجه معمار قرار گیرد.

* چرا از بین اسماء الهی، اسم حَیّ برای بررسی تجلّی آن در طراحی محله انتخاب شده است؟

از ۳ دیدگاه می توان اولویت انتخاب اسم حَیّ در برابر دیگر اسماء الهی را مطرح کرد:

۱- اولویت اسم حَیّ بر دیگر اسماء الهی در قرآن و فرمایشات پیامبر (ص)

بزرگترین و جامع ترین عنوانی که خداوند در معرفی ذات ذی الجلال خود پسندیده و خویشتن را به آن معرفی میفرماید، این آیه کریمه است: **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ** (سوره بقره، آیه ۲۵۵ و سوره آل عمران، آیه ۲). الله خدایی است که جز او معبودی نیست و او زنده و پاینده است. در برخی احادیث نبوی بیان شده که «**الْحَيُّ الْقَيُّومُ**» اسم اعظم خداست.

هر دو اسم مبارک «**الْحَيُّ الْقَيُّومُ**» که در سه سوره قرآن کریم ذکر شده اند محور تمام اسماء الله الحُسنى و حاوی جمیع صفات کمال خداوند متعال است. سرّ اینکه در قرآن اسم شریف «**الْقَيُّومُ**» همواره پس از اسم شریف «**حَیّ**» آمده نیز این است که اسم «**حَیّ**» (از لحاظ تحلیل مفهومی) منشأ همه صفات ثبوتی (ذاتی) خداوند است و قیومیت از آثار حیات و در رتبه پس از آن است. به تعبیر رساتر، صفت حیات و اسم «**حَیّ**»، جامع و منشأ همه صفات و اسمای ذاتی خداوند است و صفت قیومیت و اسم قیوم، جامع همه اسماء و صفات فعلی خداوند و نشئت گرفته از حیات اوست.

۲- اولویت اسم حَیّ بر دیگر اسماء الهی از دیدگاه عرفا و فلاسفه کهن

- از دیدگاه ابن عربی، اسم حَیّ امام و پیشوای پیشوایان و جلوداران است، و امامان و پیشوایان عبارتند از اسمای هفتگانه که: «**حَیّ** و علیم و مُرید و قادر و سمیع و بصیر و مُتکلم» می باشند. این اسماء امامان و پیشوایان دیگر اسماء هستند و اسم «**حَیّ**» امام این امامان است، زیرا آنان جز برای «**حَیّ**» نمی باشند، بنابراین «**حَیّ**» مقدم و جلودار آنهاست.

- از دیدگاه قیصری در شرح فصوص الحکم، اسمائی که بر همه اشیاء احاطه دارند و مبدأ سایر اسماء می گردند را به «**أَمْهَات** اسماء» و یا «**أَثَمَة اسماء**» تعبیر نموده اند. این اسماء که منشأ اسماء کلیه حق می باشند، عبارتند از حیات، علم، اراده، قدرت، سمع، بصر و کلام. این اسماء، در عین آنکه نسبت اسمای دیگر عام اند و برای آنها اصل به شمار می آیند، نسبت به همدیگر از تقدم و تأخر برخوردارند. حیات، در میان اسمهای هفتگانه بر همه مقدم بوده و در میان ائمه اسماء، امام ائمه محسوب می شود.

۳- اولویت اسم حَیّ بر دیگر اسماء الهی از دیدگاه عرفا و فلاسفه معاصر

علامه طباطبایی می فرماید: در آیه «**اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ**»: صفات خدا را به دو دسته صفات ذات (صفات او به تنهایی و بدون ارتباط با دیگران) و صفات فعل (صفات او در رابطه با ماسوی الله) تقسیم می کنند. «حیات» مهمترین، و بلکه ریشه سایر صفات ذات (علم و قدرت) است. حیات نحوه وجودی است که علم و قدرت از آن تراوش می کند؛ حیات حقیقی، حیات واجب تعالی است. همچنین آیت الله جوادی آملی می فرماید: اسمای ذات بر اسمای فعل پیشی دارند و همه اسمای فعل زیر مجموعه اسمای ذات اند و در میان اسمای ذات، برخی امام اسمای دیگر به شمار می آیند: حَیّ، عالم، مرید، قادر، سمیع، بصیر، متکلم. در میان آنها «حیات» نخستین و بالاترین رتبه را دارد؛ یعنی «**أَمْ الْأَثَمَة**» است، حیات در تحلیل مفهومی، منشأ علم و قدرت است و این ترتیب و تقدم و تاخیر به دیده تحلیل مفهومی است. امام خمینی (ره) نیز در شرح دعای سحر می فرماید: مقام واحدیت مشتمل بر حقایق سبعة کلیه و اسماء الهیه است. در بین هفت اسم: حَیّ، عالم، مرید، قادر، سمیع، بصیر، متکلم، حیات به حسب حکم، اعم می باشد و نسبت به سایر اسماء الهیه از شمول بیشتری برخوردار است و چون اراده

میل به مراد است، اراده داخل در علم است؛ حتی کلام و قول نیز به تعبیری، به اراده بر می گردد و از جهتی قدرت داخل در کلام است.

در نهایت در این کتاب، مشتقات اسم حَى در قرآن کریم، و آیات مرتبط با آنها برای تجلّی در طراحی محله مطلوب مورد بررسی قرار گرفته و شبکه معنایی مرتبط با تقسیم بندی اسم حَى با توجه به آیات استخراج شده است. همچنین اسم حَى از منظر سه مرتبه ابن عربی (تعلق، تحقق و تخلّق) و اسماء الهی بر مبنای اسفار چهارگانه از دیدگاه ملاصدرا مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

* چرا با طرح موضوع انسان کامل به مبحث انسان شناسی و تاثیر آن در معماری پرداخته اید؟

از آنجایی که معماری پدیده ای در ارتباط با انسان است و می بایست متناسب با انسان محقق شود، از این رو تنها در پرتو مناسبات با انسان معنا یافته و تعیین آن در ارتباط با انسان امری انکارناپذیر می نماید. البته این تناسب، ابعاد گوناگونی را در بر می گیرد: از مراتب وجودی، نیازها، و استعدادهای انسان تا شکل و کیفیت زندگی او. به هر حال یک معمار در وهله نخست باید به شناخت انسان و ویژگی هایش بپردازد و این نخستین تلاشی است که در راستای روشن ساختن مفهوم حقیقی معماری، آن را از "انسان شناسی" اجتناب ناپذیر می کند و سرنوشت معماری را مبتنی بر دریافت صریح و مشخص از "انسان" استوار می سازد.

در این کتاب که مبتنی بر نظام معرفتی اسلام بر مبنای آموزه های قرآن مجید و روایت ائمه معصومین (علیهم السلام) است باور عمومی بر این است که ادیان آسمانی برای هدایت انسان ها نازل شده اند و برنامه ای مشخص در این راستا دارند؛ بنابراین بدیهی است که در متن آنها، نه تنها مباحث مربوط به شناخت انسان، بلکه اساساً بنیاد تمامی معارف بر پایه این معرفت نهاده شده است. چرا که در قرآن و روایات، انسان به عنوان یک موضوع تردیدناپذیر و قابل شناخت معرفی و از نظر نحوه هستی نیز تفسیر شده است.

حقیقت تجلّی و ظهور حضرت حق در انسان کامل است و انسان کامل غایت خلقت است. از آنجایی که انسان کامل مظهر جمیع اسمای حق تعالی است پس خدا را باید به وسیله او شناخت. پس مطابق با حکمت اسلامی همه انسانها برای کمال خود در هر لحظه باید در ارتباط دو طرفه با انسان کامل باشند. چرا که انسان کامل به همه هستی نظارت دارد و زندگی همه انسانها در هر لحظه تحت مشاهده اوست؛ به همین جهت او به طور حقیقی همه هستی را پر کرده است. این به خاطر خلافت مطلقه الهی توسط اوست. انسان مسلمان نیاز دارد که در محیط خود به شکلی نمادین دائماً حضور انسان کامل را یادآور شود و به آن توجه نماید و به همین جهت معماری دوران اسلامی این وظیفه را به خوبی دنبال می کند. انسان کامل الگوی کاملی برای تکامل انسانهاست؛ به همین جهت همه انسانها باید دائماً با تسلیم و سلام به او مسیر تکامل را با هدایت او طی کنند.

* تعریف شما از حیات طیّبه چیست و چرا در ارتباط با آن به امام حسین (ع) به عنوان الگوی این حیات اشاره کرده اید؟

یکی از موضوعات مهمی که از نظر قرآن کریم ره آورد وحی است و در شهر و محله اسلامی نیز نمود می یابد، مسئله حیات طیّبه، به معنی زندگی پاک و منزّه است. حیات طیّبه، ره آورد «سیر الی الله» است که اولیای خدا، با پیمودن مسیر بندگی و پاسداری از پیمان فطری و میثاق ملکوتی، به آن رسیده و از ثمرات آن بهره می برند. حیات طیّبه در عالم «عند الله» و تحت ولایت حق تعالی، برای اولیای خدا تحقق می یابد. در مقابل حیات طیّبه، حیات مادی در عالم موهوم دنیا و تحت ولایت شیطان با معیار شرک صورت بندی شده است و در اثر غلبه هوس ها و نفسانیت، بشر را گرفتار می کند. شهر و محله اسلامی، زمینه ساز حیات طیّبه و رسیدن به عالم عندالله است که تحول وجودی ساکنان خود به سوی کمال را فراهم می سازد. برای رسیدن به حیات طیّبه و حیات مطلوب جامعه آرمانی می بایست به ابعاد معنوی و روحانی حیات در جهت بسترسازی کمال انسان و رشد وی توجه شود که این موضوع در پرتو زندگی در محیط و محله مطلوب و سرزنده امکان پذیر است.

امام حسین(علیه السلام) حقیقت حیات و الگوی حیات طیّبه است. امام حسین(ع) تنها الگوی شهادت و قیام نیست بلکه الگوی حیات طیّبه است. قیام امام حسین(ع) مقدمات «حیات طیّبه» جامعه اسلامی را دوباره مهیا کرد. امام حسین(ع) با قیام

خویش مقدمات حرکتی را که در آیه ۹۷ سوره نحل مبنی بر «حیات طیبه» مطرح می‌شود را برای جامعه اسلامی احیاء نمود. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). مبنای حرکت امام حسین(ع) احیای دل‌های مردم جامعه بود و امام از موقع حرکت خود با بشارت و سخن حق تلاش می‌کردند مردم را به حیات طیبه رهنمود سازند. امام حسین(ع) کشتی نجاتی است که با کسب معرفت از ایشان می‌توان به حیات طیبه دست پیدا کرد. با اشاره به مفاهیم معنا در زندگی می‌توان گفت: افراد از طریق ارتباط با امام حسین(ع) بر مبنای ارزش‌های ایشان که در حیات و رفتارشان بوده، به زندگی خود معنا می‌بخشند. از طریق عظمت داستان امام حسین(ع) و حادثه کربلا به معنای زندگی می‌رسیم. عاشورا، وادی حیات، نسیم حیات بخش و امنیت و رفعت است. حرارت عاشورا، پر از نسیم رحمت و حیات طیبه و حیات قلب و احیاء انسان است.

بنابر آنچه گفته شد این بشریت است که برای حفظ و پاسداری از ارزش‌های انسانی و حرکت به سوی آنها، نیازمند است تا نام و یاد و خاطره‌ی آن حضرت را همیشه زنده نگه دارد و اگر روزی نام امام حسین(ع) و خاطره‌ی رشادت‌ها و ارزش‌ها و آرمان‌های آن حضرت فراموش شود، این جامعه بشری است که ضرر خواهد نمود.

*** منابع این کتاب را در چند دسته تقسیم بندی کرده اید. از منابعی که به معماری و شهرسازی مربوط است تا منابع دینی و روایی. چرا این تفکیک را انجام دادید؟ در پیدا کردن و جستجوی منابع دینی و روایی، تا چه اندازه به منابع دست اول دسترسی داشته اید؟ آیا مشاوره هم در این حوزه داشته اید؟**

برای مراجعه آسان تر خوانندگان کتاب، منابع معماری و شهرسازی از منابع دینی و روایی تفکیک شده تا مخاطب با توجه به خواسته و تخصص خود از آن بهره برده و راحت تر به منابع مورد نظر خود دست یابد. منابع اصلی مورد مطالعه در این کتاب به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- منابع اولیه: قرآن کریم و تفاسیر آن و نیز برخی تفاسیر موضوعی (به ویژه تفسیر گرانقدر المیزان، علامه طباطبایی (ره)) و تفسیر تسنیم آیت الله جوادی آملی، احادیث ائمه معصومین (علیهم السلام)
 - ۲- منابع ثانویه: آثار فقهی، فلسفی و حکمت اسلامی (انسان شناسی، جهان بینی و ...)
 - ۳- منابع ثالث: منابع اصلی در مباحث نظری معماری و رساله‌های دکتری.
- همچنین، رجوع به منابع و ادله یا به طور مستقیم و بی واسطه به کتاب و سنت و یا از طریق دلیل عقلی و اجماع عقلی به شرح زیر است:

- ۱- کتاب: روش اکتشافی از روی نصّ صریح قرآن
- ۲- سنت: روش تفسیری از طریق کشف صحّت سند و کشف دلالت‌های عام و خاص
- ۳- عقل: روش قیاسی یا استدلال و اقامه برهان
- ۴- اجماع: روش استقرایی یا جستجوی عام.

بنابراین با توجه به منابع ذکر شده تا حد بسیار زیادی به منابع دست اول دسترسی داشتم و در این راستا از مشاوره‌های بی دریغ اساتید بزرگوارم، آقای مهندس عبدالحمید نقره کار (عضو هیئت علمی معماری دانشگاه علم و صنعت ایران و ریاست قطب علمی معماری اسلامی آن دانشگاه) و آقای دکتر مهدی حمزه نژاد (عضو هیئت علمی معماری دانشگاه علم و صنعت ایران) و آقای دکتر فرهنگ مظفر (عضو هیئت علمی معماری دانشگاه علم و صنعت ایران) بسیار بهره گرفته‌ام که شایسته است در اینجا از این بزرگواران تشکر کنم. امید که این عزیزان، همواره در پرتو عنایات حضرت ولی عصر(عج)، موفق و منصور باشند.

*** نگاه و برداشت شما از متون دینی و روایی یک نگاه اخباری بوده یا اصولی؟ تاویلی بوده یا تفسیری؟**

از منظر اسلامی مکاتب بشری نمی‌توانند انسان و غایت او را جامع و مانع و خطاناپذیر تشریح نمایند و مکاتب الهی غیر از اسلام نیز، دچار تحریف و نقص شده‌اند. از منظر تشیع، تنها مکتب اسلام مبتنی بر کلام الهی و سنت معصومین (علیهم السلام) خطاناپذیر و جامع و مانع است و می‌تواند مکتب مبنا برای ارزیابی و نقد دقیق و عمیق فرایندهای انسانی باشد.

شالوده نظری این کتاب بر پایه اندیشه اسلامی و شناخت‌شناسی آن در حوزه علوم انسانی و هنر، از منابع چهارگانه کلام الهی و راهنمایی‌ها و تفسیر معصومین(ع) و اجماع خبرگان، فقیهان و اسلام‌شناسان و بدیهیات عقلی و منطقی و تجربی، در یک رابطه طولی برگرفته شده است. به گفته دیگر دریافت‌های عقلی-تجربی با معیار اجماع خبرگان محک می‌خورد و داوری نهایی با کلام الهی و معصومین(ع) است. در حوزه عمل و ارائه اصول نیز برپایه اصول ده‌گانه اجتهاد در مکتب تشیع، تمام عوامل و شرایط زمانی و مکانی(عصری) مورد توجه قرار می‌گیرد. از منظر اسلامی در حوزه مباحث نظری صرفاً می‌توان به نوآوری در تفسیر و تأویل یا تعبیر و تدوین جدید از مضامین متشابه در کلام الهی و معصومین(ع) پرداخت. در حوزه عمل برپایه معارف اسلامی و اصول ثابت فطری و فرازمانی و فرامکانی آن می‌توان با اجتهاد تخصصی و تجربی به ارائه راهکارهای جدید و عملی پرداخت. روش‌ها و شیوه‌های طراحی و خلق آثار هنری و معماری را می‌توان با توجه به اصول ده‌گانه اجتهاد شیعی و مجموع عوامل و شرایط زمانی و مکانی به طور نسبی و متنوع از اصول ثابت فطری و انسانی اجتهاد نمود و به خلق سبک‌های نوین و آثار بدیع و اصیل پرداخت. این فرایند را امام صادق(ع) در حدیث مشهوری ابلاغ نموده‌اند.

برای دستیابی به یک شناخت صحیح از ساختار اصول معنایی در طراحی محله، و عوامل موثر بر کیفیت آن، نیاز به پژوهش‌های دقیق با محوریت نظام معرفتی اسلام است. لذا شالوده نظری این کتاب بر پایه مبانی نظری اندیشه اسلامی بنا گردیده است و با پذیرش دیدگاه "دین حداکثری" در طول مسیر پژوهش بطور توأمان از منابع نقلی و عقلی استفاده نموده است. این منابع عبارتند از: کلام الهی و راهنمایی‌ها و تفسیر معصومین(ع)، اجماع خبرگان، فقیهان و اسلام‌شناسان و بدیهیات عقلی و منطقی و تجربی، که از آنها در یک رابطه طولی بهره گرفته شده است.

همچنین، از آنجایی که زیباترین و کاملتری حقایق و معانی در اسماء الحُسنى مجتمع شده اند و واسطه خلقت عالم هستی نیز می‌باشند، به نظر می‌رسد عالی‌ترین کیفیت برای اثر معماری (و سایر آثار هنری) زمانی حاصل می‌شود که مفاهیم بر گرفته از اسماء و صفات الهی را بتوان با ساز و کاری مشخص در آن تجلی داد.

این کتاب با استفاده از روش استدلال منطقی در جستجوی تبیین "اصول معنایی حیات پایدار در طراحی محله در جهت بسترسازی کمال انسان" با استفاده از اسماء و صفات الهی (بر مبنای اسم حَی) می‌باشد.

به نظر می‌رسد اگر معمار بتواند معانی متعالی برگرفته از اسماء الهی را بر مقوله‌های معماری تجلی دهد، محصول آن خلق معماری شایسته خواهد شد. البته لازم به ذکر است مرتبه وجودی نفس انسان(معمار) عاملی تعیین‌کننده در کیفیت اثر معماری خواهد بود زیرا نفس انسان مانند آینه‌ای است که هرچه صاف تر باشد، دریافت بهتری از مفاهیم متعالی خواهد داشت و به همان میزان نیز آن را بیشتر انعکاس خواهد داد. و اینگونه است که انسان‌های متعالی آثار شایسته تری از خود به یادگار می‌گذارند.

دستاورد‌های این کتاب از دو بُعد قابل ارزیابی است:

۱- از بُعد «استنادی»: باید گفت آن دسته از اطلاعات این کتاب که با تکیه بر منابع معتبر شامل قرآن و احادیث ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند، مطلق و خطاناپذیرند و آن دسته از اطلاعات گرفته شده از نظریات اندیشمندان و متفکران حوزه حکمت اسلامی نیز چون به اجماع خبرگان رسیده اند، قابل استناد می‌باشند.

۲- از بُعد «استدلالی»: نیز می‌توان گفت نحوه جمع بندی، طبقه بندی و مدل سازی از این اطلاعات و داده‌ها تا تجزیه و تحلیل و ترکیب آنها و ارائه الگویی برای غنی سازی و ارتقاء کیفیت این فرایند متناسب با استعداد و توانمندی محقق است و نتیجه حاصل از آن در بستر محیط فرهنگی سامانه گفتمانی این کتاب، که همان مبانی اندیشه اسلامی است قابل ارزیابی خواهد بود.

***وقتی صحبت از پایداری در طراحی و نگاه معمارانه می‌شود، صحبت روی چه چیزی است؟ عوامل پایداری در معماری محله چه چیزهایی هستند و شما چه زاویه جدیدی را باز کردید؟**

پایداری در معنای جدید و علمی اخیر خود، واژه‌ای خاص است که بیش از هر چیز، ریشه در نوع نگاه و گرایش به مقوله‌ی «ناپایدار» و «امر پایدار» دارد. به بیان دیگر، مفهوم پایداری که خاستگاه آن جامعه غربی مدرن است در اولین نگرش، حاصل بحران حاکم بر جامعه مدرن است. از دیدگاه غرب، پایداری = پایداری اجتماعی + پایداری اقتصادی + پایداری زیست

محیطی است. و بُعد معنایی (برگرفته از دیدگاه اسلام) نادیده گرفته شده است. این کتاب بُعد مهم معنایی را عامل چهارم پایداری از زاویه دینی معرفی نموده است. در این راستا، ابعاد سه گانه پایداری، مورد بررسی قرار گرفته و در ارتباط با آنها، متون اصیل اسلامی (قرآن کریم و روایات ائمه معصومین(علیهم السلام)) مورد تفقه قرار گرفته و برای هر بُعد مبانی دینی مرتبط با آن بررسی شده است. برای رسیدن به حیات طیبه می بایست به ابعاد معنوی و روحانی حیات نیز در جهت بسترسازی کمال انسان و رشد وی توجه شود که این موضوع در پرتو زندگی در محیط و محله مطلوب و سرزنده امکان پذیر است.

* برای ارتقا فرایند طراحی معماری محله چه پیشنهادهایی دارید؟

در جهت تحقق پذیری ابعاد حیات پایداری در محله از منظر اسلامی، می بایست معماران و شهرسازان مراحل فرایند طراحی و خلق آثار خود را به شرح زیر ساماندهی نمایند:

۱- در حوزه نظر، یعنی شناخت و معرفت، باید ایده ها و ایده آل های خود را مبتنی بر حکمت نظری اسلام (هستی شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی و غیره) ارزیابی، اصلاح و ارتقاء بخشند.

۲- در حوزه عمل و انتخاب سبک و شیوه های اجرایی خود باید مبتنی بر حکمت عملی اسلام، یعنی مجموع ارزش های اخلاقی و باید و نبایدهای احکام عملی آن (احکام پنجگانه خلال و حرام، مستحب و مکروه و مباح) را کاملاً رعایت نمایند.

۳- معماران و شهرسازان در اجتهاد عملی خود و تجلی ایده ها در پدیده ها و خلق آثار معماری و شهرسازی می توانند از صورت های تحقق یافته در هنر، معماری و شهرسازی آفرینش که در کمال اعتدال و حسن است الهام بگیرند.

۴- معماران و شهرسازان می توانند مبتنی بر حکمت نظری و احکام اولیه در حکمت عملی اسلام و با توجه به مجموع مقتضیات و شرایط متنوع زمانی و مکانی اجتهاد تخصصی نموده و با روش ها و شیوه های جدید و صورت ها و مواد و مصالح و فن آوری های نوین، آثار بدیع و اصیل جدیدی را طراحی و احداث نمایند.

معماری و شهرسازی ما تنها در صورتی میتواند هماهنگ و هم جهت با هنر و معماری آفرینش و در تکمیل آن بوده که ضمن تأمین نیازهای مادی انسان، بستر تکامل روحی و معنوی انسان ها را فراهم نماید که معماران و شهرسازان ما از ارزش های اسلامی در ایده ها و روش ها و آثار خود در فرایند طراحی بهره برداری کامل نموده باشند.

همچنین، نیازهای معنوی و روحی انسانها اموری است که با آگاهی و گرایش های ارادی و اختیاری آنها تحقق می یابد. بنابراین معماران فقط میتوانند از طریق تجلی معنا در صورت و معناگرایی در اثر هنری و معماری خود، برای مخاطبین، فضای ذکرگونه ایجاد نموده و بستر مناسبی برای تعالی روحی و اختیاری آنها فراهم آورند.

و در مجموع انتخاب محیط زیست مطلوب بر پایه اهداف عالی اسلام بایستی صورت پذیرد. محله بایستی هم پاسخ گوی نیازهای مادی و هم معنوی انسان ها باشد و بازتاب و تجلی این امر در بحث های نمادگرایی و تجلی معنا در صورت در حوزه معماری و شهرسازی باید به گونه ای باشد که ما را در جهت رسیدن به محله ای اسلامی یاری نماید و شاخصه های مفهومی آن محله را در چهره و سیمای محله به نمایش گذارد. همچنین تبیین رابطه انسان با جامعه بر مبنای حقوق همسایگی و حقوق شهروندی و حقوق مسجد که بسیار کم به آن توجه شده است باید مد نظر قرار گیرد.

* اقتصاد و اقلیم هر کدام چه جایگاهی در شکل بخشی به شهر و محله دارد؟

در نگرش وحیانی و توحیدی اسلام، مساله اقتصاد ذیل مفاهیم اصلی حیات انسان معنا می یابد. در این نگرش، انسان «حیّ مُتألّه» است، یعنی زنده ای که گرایش به الوهیت و خداجویی دارد و جنبه جسمانی وی، که اقتصاد منبعت از آن و پاسخگو به اولویت های آن است، جنبه ای فرعی و در خدمت هدف اصلی است. بنابراین بدیهی است که نگاه به اقتصاد و معیشت نگاهی است، به ابزاری برای رسیدن به کمال، و به خودی خود واجد اصالت نیست. از همین جاست که مفهوم توسعه آنچنان که در جهان تبلیغ و توصیه می شود با حوزه بینش و اندیشه اسلامی ناسازگار است. قرآن، منتهای حرکت تکاملی انسان و جهان تاریخ را خداوند می داند. انعکاس این قاعده در معماری به «اصل پرهیز از اسراف»، «دوری از تجملات»، «اصل کارائی» اشاره دارد.

توجه اسلام به برطرف سازی فقر از این روست که می خواهد حرکت متعالی انسان را میسر سازد و یکی از موانع موجود فقر مادی است. پس از بین بردن فقر مادی امری است تبعی و نه اصلی. بنابراین آموزش و فرهنگ در خدمت از بین بردن فقر قرار نمی گیرد بلکه این مبارزه با فقر است که در خدمت اعتلای فرهنگی و معنوی است. هدف جامعه آرمانی رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی، رفع فقر است. اقتصاد اسلامی مخصوصاً در حوزه اهداف و ارزشها رابطه محکمی به اسلام پیدا می کند.

تعالی معنوی لزوماً با توسعه مادی و اقتصادی همراه نیست و بلکه بالعکس، با قناعت و زهد و مصرف کمتر و ... ملازمه دارد و البته این سخن نه بدین معناست که توسعه اقتصادی مخالف با تکامل باشد، نه! اما ضرورتاً این نیست که بشر برای تکامل - به معنای وسیع آن در اسلام - ناچار از توسعه اقتصادی (به معنای مدرن آن) باشد.

در اقتصاد اسلامی، اقتصاد در رابطه با حیات معقول تعریف می شود. «حیات معقول انسان وضعیتی است که در آن نیازهای مادی و جسمی او در محدوده امکانات موجود به بهترین و آسانترین وجه تأمین شود؛ به گونه ای که زمینه رشد و تعالی معنوی او و رسیدن به مقام والا و شایسته ای که خداوند متعال بشر را برای آن آفریده است فراهم باشد».

لذا سلسله مراتب اهداف در اقتصاد اسلامی را می توان به شرح زیر در نظر گرفت:

۱- تأمین نیازهای مادی و جسمی انسان به بهترین و آسان ترین شیوه ممکن.

۲- پاسخگوئی معقول به نیازهای روحی انسان و فراهم آوردن رشد و تعالی معقول او.

۳- رسیدن به موهبت الهی و دست یابی به قرب الی الله و رضایت معبود.

۴- و شرط اصلی دست یابی به اهداف فوق حاکم شدن روابط عادلانه در زمینه تولید و توزیع است.

* اصول پیشنهادی شما در طراحی محله مطلوب و سرزنده با توجه به ابعاد پایداری چیست؟

اصول حیات پایدار در چهار بُعد در کتاب مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۱- اصول حیات معنایی پایدار. با توجه به این اصل می توان راهکارهای زیر را برای طراحی محله مطلوب پیشنهاد داد:

اصل اول: نقش ادراک حُسن و زیبایی بصری در سرزندگی و حیات محله.

اصل دوم: نقش پخش شدن صدای اذان در سرزندگی و حیات محله.

اصل سوم: نقش پویایی و انعطاف پذیری فضا جهت ایجاد زمینه تعامل مناسب با انسان در سرزندگی و حیات محله.

اصل چهارم: نقش برگزاری جشن ها و عزاداری ها در سطح فضای باز محله در سرزندگی و حیات محله.

اصل پنجم: نقش وجود خدمات دینی عام المنفعه در سرزندگی و حیات محله.

اصل ششم: نقش معناسازی و نمادپردازی با طبیعت در سرزندگی و حیات محله.

اصل هفتم: نقش یادآوری حقایق هستی و انتقال پیام های معنوی در سرزندگی و حیات محله.

اصل هشتم: نقش تحقق بُعد معنوی با ایجاد مرکز محله با محوریت مسجد یا حسینیه در سرزندگی و حیات محله.

اصل نهم: نقش عالم محوری و سکونت عالمان دینی و محوریتشان در حل مسائل محله در سرزندگی و حیات محله.

اصل دهم: نقش احیای تعظیم شعائر و وجود یادمان شهدا در سرزندگی و حیات محله.

۲- اصول حیات اجتماعی پایدار

اصل اول: نقش امنیت و ایمنی در سرزندگی و حیات محله.

اصل دوم: نقش افزایش حضور پذیری و اجتماع پذیری و نقش مراکز جمعی در سرزندگی و حیات محله.

اصل سوم: نقش مشارکت مردمی در سرزندگی و حیات محله.

اصل چهارم: نقش همسایه دوستی و تاکید بر روابط همسایگی و توجه به حقوق همسایه در سرزندگی و حیات محله.

اصل پنجم: نقش مسجد در تعاملات اجتماعی اهالی محل با یکدیگر و لزوم توجه به حریم مسجد در سرزندگی و حیات محله.

۳- اصول حیات اقتصادی پایدار

اصل اول: نقش وقف در سرزندگی و حیات محله.

اصل دوم: نقش استفاده عادلانه از منابع طبیعی، میانه روی و پرهیز از اسراف در سرزندگی و حیات محله.

- اصل سوم: نقش قناعت در سرزندگی و حیاتِ محله.
- اصل چهارم: نقش بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر در سرزندگی و حیاتِ محله.
- اصل پنجم: نقش اشتغال‌زایی و خودکفایی در سرزندگی و حیاتِ محله.
- ۴- اصول حیاتِ زیست‌محیطی پایدار
- اصل اول: نقش توجه به پاک‌ی و پاکیزگی در سرزندگی و حیاتِ محله.
- اصل دوم: نقش زیبایی‌بصری در سرزندگی و حیاتِ محله.
- اصل سوم: نقش توجه به اقلیم و نیازهای اقلیمی در سرزندگی و حیاتِ محله.
- اصل چهارم: نقش توجه به استفاده از امکانات بومی و مواهب طبیعی.
- اصل پنجم: نقش توجه به ایجاد فضای سبز و منظر طبیعی.